پرچم

دارنده و نویسنده کسروی تبریزی

آیا زر و سیم ثروت نیست؟!

در نامه پرچم اخیراً مقالهٔ (ارزش اسکناس بابشتوانه نیست) را خواندم و در ضمن مقاله اینهم بود که پول (اعم از اسکناس و زر و سیم ثروت نیست) چون مندرجات پرچم همواره منطقی و روی دلیل است و پاسخ های منطقی را هم از نظر دور نمیدارد این است در این قسمت که اشتباهی بنظرم رسید خواستم نظریات خود را عرض نمایم که اگر اشتباه از طرف بنده باشد رفع شود .

بنده میگویم ارزش اسکناس با پشتوانه است و اگر پشتوانه نباشد اسکناس ارزش ندارد و زر و سیم جزء ثروت است

در موضوع اولی چنانکه در پرچم هم نوشته شده و مسلم است معاملات در دنیا بر حسب احتیاج روی مبادله جنسی است و پول (زر و سیم یا اسکناس) از بابت یادداشت ردو بدل میشود که من امروز ده من گندم بشخصی میدهم که بعد از یکماه دو من پنبه بمن بدهد یا در زمستان بیست من ذغال بکسی میدهم که در تابستان سی من جو بدهد برای اینکه اطمینان کامل حاصل آید و گیرنده در سر وعده از زیر بار تعهد و قرض خود در نرود پول را برای یادداشت میگیرم و بهترین یادداشت ها که حالا در تمام دنیا قبول و مسلم شده زر و سیم است .

(حالا چرا زر و سیم مستقلا برای یادداشت منظور شده و این عمومیت و لیاقت را از کجا پیدا کرده مبحث و موقع جداگانه لازم دارد)

اکنون که مبادلات و معامله‌ها زیاد شده و محتاج است که در معاملات بخروارها زر و سیم نقل و انتقال داده شود علمای اقتصادی برای آسانی کار و راحتی مردم قرار گذاشته اند که این زر و سیم را در جایی جمع کرده و قبض هایی در مقابل آن بمردم بدهند که در جریان داد و ستد بکار وا دارند .

و این محل را بانک و این قبض را اسکناس نامیدند و هر وقت دارنده قبض رجوع میکرد مقابل قبض زر و سیم باو می پرداختند و میپردازند و علت این مراجعه و تبدیل همان قبض ها بزر و سیم ضرورت و احتیاجی است که دارنده قبض را وادار باین تبدیل خواهد کرد مثلا من محتاج هستم که دوا یا متاع دیگری از چین و هندوستان و آمریکا بیاورم و جنس معمول خودم را صلاح و صرفه نیست که بچین و هند ببرم باین متاع را در آنجا خریدار نیست اما این را میدانم که زر و سیم را در تمام دنیا در مقابل متاع قبول دارند آنوقت آن قبض اسکناس را که در مملکت خودم رواج است در خارج از کشور نمی‌شناسند باید ببرم بصندوقداری (بانک) که زر و سیم مرا گرفته و در عوض قبض عندالمطالبه داده مسترد داشته و زر و سیم را گرفته بهند و چین برده مایحتاج خود را خریداری نمایم .

عیناً مثلی که خود در همان مقاله متذکر شده اید که در موقع مبادله اجناس پارچه چوبی برای یادداشت بمردم داده شود که هزار خاندان از [illegible] مردم جدا شده و شهری بنیاد گذارده اند و یادداشت معامله « پول » را میان خودشان تکه چوب قرار داده اند و حال اینمعنی بشهرهای نزدیک هم سرایت کرده در مقابل همان تکه چوب در شهر و دیه‌های نزدیک هم کفش و چیزهای دیگر می دهند فرض نمایم در شهر اولی یک مرد زیرکی پیدا شده و میگوید مردم این تکه چوب ها جیب و کیسه شما را پاره میکند و در حمل و نقل سنگین و اسباب زحمت است بیائید این تکه چوب ها را از روی شماره و حساب بمن دهید و من در مقابل از کاغذ و یا پوست

در پیرامون رمان

« ۷ »

در تأیید مقاله آقای سعادت که در شماره ۲۱۴ رومان بلای جامعه است در سال ۱۳۱۹ در میاندوآب جوانی بنام عسکرزاده خودش اهل تبریز در میاندوآب تجارت داشت این جوان دانش اندوخته مبتلا بخواندن رمان بود حتی در اغلب روز ها در تجارتخانه مشغول مطالعه رمان میشد گویا همسرش برای وضع حمل به تبریز رفته بعد از وضع حمل که حالش درست بهتر شد پدر مادرش چند روز اورا نگه داشتند تا حالش بکلی خوب شود جوان مزبور که جمله‌های کتاب رمان ـ عشق ، فراق ، جدائی در مغز او جا گیر شده بود وقت غروب خدمتکار خود را بجائی دیگر روانه نموده درب اطاق را از توی آن محکم بسته تریاک میخورد صبح خبر آوردند که رئیس شهربانی و نگارنده هم بودیم با چند نفر دیگر بمنزل او رفته دیدیم که تریاک را خورد نموده در توی کپسول خورده پس از جان کندن زیاد فوت نموده بود نامه که به آقای سرشتی نوشته عیناً جمله‌های رومان است بجا مانده بود پس از گشادن پاکت این جمله ها نوشته شده بود (محبوبه عزیزم چون بفراق تو طاقت نیاوردم اینک جام زهر که تنها تسکین کننده دل پر غم بود بر سر کشیده خداحافظی می نمایم دیدار در ...) این است نتیجه خواندن رومان که با یک حرف پوچ و خالی خودش را مسموم و پدر و مادرش را همیشه ماتمدار و داغدار نمود بطوریکه آقای کسروی مینویسند بهر کس آدم با خرد لازم و واجب است در نوبه خود از نشر این گونه کتب جلوگیری و در هر کجا دسترس باشد بسوزاند بلکه وزارت فرهنگ نیز بی بزبانهای این گونه کتب برده که واقعاً بلای جامعه است جلوگیری و اقدام بجمع آوری نموده این بلا را از سر جامعه رفع نماید .

میاندوآب ـ رهبر

که علامت مخصوص روی آن زده‌ام بشما بدهم و شما در معامله بیکدیگر بدهید و هر شخص هر وقت پیش من آورد و تکه چوبش را خواست فوری بدهم که برای شما هم راحت تر است .

مردم هم اگر اطمینان کردند و امتحان نمودند که هر کس مراجعه بآن مؤسس زیرک میکند تکه چوبش را بدون معطلی میدهد باطمینانشان افزوده و با طیب خاطر تکه چوب ها را برده در مقابل کاغذ یا پوست را (اسکناس) میگیرد و شاید از آن شخص هم ممنون باشند .

حالا یک نفر از این شهر میخواهد بشهر دیگری برود که در آنجا که چوب رواج است ولی این کاغذ یا پوست را نمیشناسند این شخص کاغذ ها را مجبور است که ببرد پیش آن مرد و در مقابل تکه چوب خودش را گرفته و بشهر دیگر برای خریدن جنس ضروری برود .

و اگر احیانا آن مرد در دادن پارچه چوب ها اندک تعلل و تسامح نماید فورا قبض های آن مرد در بازار از اعتبار ساقط شده و مردم برای گرفتن تکه چوب های خود و پس دادن قبضهای پوستی و کاغذی هجوم خواهند آورد و شاید بالمآل منجر به ورشکستگی آن مرد بشود و دیگر کسی متاع خود را در مقابل قبض پوستی نخواهد داد و از مشتری تکه چوب معمولی و رواج خودشان را خواهد خواست .

پس پارچه چوب بمنزله زر و سیم و آن قبض عین اسکناس است .

و اسکناس بی پشتوانه ارزش ندارد و پیدایش اسکناس هم روی این اصل و اساس بوده است .

حالا اگر قائل شویم که اسکناس ها غالبا این پشتوانه را ندارند و در کشور های خارج هم زر و سیم در مقابل نمیدهند اعتبار و رواجی آنها از جای دیگر است که دارنده اسکناس مطمئن است .

قبل از تشکیل اداره بانک شاهی در یزد عین همین کار شده بود که چهار نفر از تجار معروف و معتبر یزد قبض هایی بمبلغ های مختلف چاپ نموده و هر چهار نفر امضا و مهر و بوجه پولی آن ضمانت کرده بودند و روی آن نوشته شده بود که دارنده این قبض فلان مبلغ (مقدار مبلغی که روی قبض نوشته شده بود) پول قران (پولهای نقره شاهی) از هر یک از این چهار نفر صاحب امضا بخواهد دریافت خواهد کرد .

چون هر کس مراجعه میکرد فوری پول نقره معمولی آن زمان را باو میدادند کمتر مراجعه میشد و مدتی در داد و ستد معمول بود شنیدم اگر پاره یا فرسوده می شد میبردند در عوض کاغذ سالم و درست میگرفتند تا اینکه بعدا بانک شاهی اعتراض نموده و گفت : انتشار این قبض ها مثل اسکناس است و امتیاز اسکناس با بانک است و نشر این سکه با اسکناس بانک سکه‌دار ، و با دست مامورین دولت موقوف و قدغن گردید البته این قبضها باعتبار دارایی و تمول آن چهار نفر صاحب امضا که مردم از اعتبارشان خاطر جمع و مطمئن بودند رواج یافته بود و دارایی و اعتبار همان چهار نفر پشتوانه این قبض ها بود و مردم اطمینان داشتند که هر وقت این قبض ها را ببرند آن تکه چوب های مرسومی و معمولی خودشان را پس خواهند گرفت .

حالا از شرح اجناس که فوق العاده درظاهر بالا میرود آنچه بنظر بنده میرسد عرض نمایم .

این مسئله مسلم است که هر کالا که کمتر شد گران و هرچه که بسیار و فراوان است ارزان میباشد آب با این فراوانی و ارزانی که هست اگر در جایی کمتر پیدا شد بسیار گرانبها و ارجدار خواهد بود از شخص موثقی شنیدم که در یکی از منزلهای راه مکه یک مشک کوچک آب را به چهار لیره طلا خریده بود البته از این خیلی بالاتر هم ممکن است (مسئولیت و سزاوار مجازات بودن محتکرین هم از این سبب است که مایحتاج مردم را جمع آوری

و حبس کرده باعث کمی و گرانی میشود)

اکنون که وضع روزگار و تجارت بجهت جنگ غیر عادی است و بعضی از کالا ها که از خارج وارد میشد و نمیشود و کم و گران شده که بالطبع اینطور میبایست بشود در کنار بگذاریم .

می‌بینیم که کالاها گران نشده بلکه اسکناس بی پشتوانه فراوان شده و میشود که ارزان است مثلا چون بنا بمبادله جنس است قند سابق منی دو تومان و فلفل هم دو تومان بود حالا قند ده تومان و فلفل هم ده تومان شده که اگر در مبادله یکمن قند بدهیم باز یکمن فلفل می کم و زیاد میتوانیم بگیریم و یکعدل شکر سابقاً یکصد و پنجاه تومان و یکعدل نخ سیصد تومان بود که در مقابل دو عدل شکر یکعدل نخ میدادند اکنون دو عدل شکر سیصد تومان و یکعدل نخ ششصد تومان شده باز در مقابل دو عدل شکر یک عدل نخ مثل سابق میدهند و همچنین سایر اجناس و اگر در ترقی و تنزل بعضی کالاها تناسب را از دست داده اند بعلت و سبب های خارجی است که علت آنها را از چیزهای دیگر باید جست .

دلیل دیگر اینست که پول نقره سابقی که ده قران را یک تومان میگفتیم و چند سال پیش در بازار با این اسکناس برابر خرج میشد حالا پنج شش برابر علاوه شده که اگر ده قران سابقی را بدهید پنجاه یا شصت ریال اسکناس بشما میدهند پس اگر کاغذی که برای روزنامه میخرید و بوطی ۴۰۰ ریال مثلا میدهید اگر پول

نقره سابقی را بدهید بهفت تومان (۷۰ ریال) میخرید زارع دهاتی پیش از جنگ یکمن گندم میداد دو ذرع چیت یا یک چارک قند میخرید حالا هم میخرد .

پس معلوم شد که اجناس چندان ترقی نکرده (باز میگویم که بعضی کالا ها از قبیل دوا و اجناس خارجی دیگر را از این کلیات باید استثنا کرده و جداگانه منظور نمود)

بلکه اسکناس فراوان شده یا احتمال فراوانی زیاد را میدهند و اگر دولت جلو اسکناس بی پشتوانه را نگیرد و مهمانان عزیز اصرار در زیادی اسکناس برای مصرف خود شان بنمایند اعتبار اسکناس بکلی از بین رفته و دارنده هر کالا مجبور خواهد شد و حق خواهد داشت که جنس خود را معامله با تبادل جنس دیگر بکند نه با اسکناس زیرا که اسکناس نیقولای روسیه و مارک آلمان و قبضهای بی پشتوانه سایر دولتها را در جنگ گذشته دیدند .

و دولت حالا میتواند که دیگر نشر جدید اسکناس را تا چندی موقوف نموده و اسکناسهای موجودی را بوسیله مالیات و استقراضهای داخلی جمع آوری نماید که ورقه‌های قرضه پنجساله با فرع معینی چاپ کرده و با تشویق های گوناگون و بل بالاجبار متمولین را وادار بخریداری آن بنماید و در هر سال یک خمس آن را بابت مالیات و گمرک و غیره قبول نماید که باینطریق اسکناس جمع آوری شده و کمتر گردد و اعتبار خود را بدست بیاورد .

و اینکه پول آیا ثروت است یا نه پول اگر مقصود طلا و نقره است و کاغذی که در مقابل طلا و نقره دارد چرا جزء ثروت نباشد .

بدیهی است هر کالایی که خریدار دارد و در مقابل آن دارنده آن کالا بهرچه احتیاج دارد میدهند و تبدیل مینمایند ثروت

است و تمام محصولات زمینی هم اینحال را دارد اگر محصول یکنفر پنبه باشد و کسی پیدا نشود که مازاد از احتیاج او را بخرد و در مقابل گندم یا شکر باو بدهد آنوقت این پنبه هم ثروت نیست

ثانیا زر و سیم از فلزات است و در ضمن سایر فلزات جزء ثروت است مگر مس و قلع و آهن و جیوه جزء ثروت نیست زر و سیم هم یکی از آنها است چون فلزات بعلت کمی و فراوانی در مقابل یکدیگر ارزان و گران هستند و زر و سیم هم که از تمامی آنها بسیار کمتر بدست میآید گران و مرغوب تر است اگر از معادن قرجه داغ خروارها آهن تهیه کنیم در عین حال که جزء ثروت است بروسیه که نزدیکتر است برده و در مقابل قند و چیت روسی بخواهیم شاید در روسیه نخرند زیرا خودش آهن دارد و احتیاج هم ندارد اما اگر از معدن دیگر طلا استخراج شود آن را با امتنان در روسیه و در تمام جهان قبول کرده و در مقابل بهر کالا که دارنده طلا احتیاج دارد میدهند پس آنهم در جزء ثروت و برای رفع احتیاج ضروری تر می باشد اگر باندازهٔ فراوانی مس در روی زمین بود و مردم طشت و دیگ خود را از طلا می ساختند واز شر سم و مخارج سفید گری خلاص میشدند می گفتیم که طلا هم جزء ثروت است و طرف احتیاج حالا که کم شده محل مصرف را نوع دیگر پیدا کرده .

و این موضوع شرح مفصل تر از این لازم دارد که قلم بنده آن توانائی را ندارد .

تبریز م . ن .

پرچم : ما دوست میداریم از این گونه گفتارها بیشتر نوشته شود . درباره اینکه زر و سیم ثروت است یا نه بازسخن خواهیم راند .

یک نشست فراموش نشدنی

« ۱ »

چنانکه آگاهی داده بودیم روز یکشنبه یکم آذر نشستی در خانه دارندهٔ پرچم برپا گردید . نخست سخنانی از عید رفت و دارنده پرچم شرح داد که عیدهای هر توده ای آنروز هاییست که با یک پیشامد تاریخی مصادف بوده و اینست هر ساله آنرا عید میگیرند و بجشن و شادی میپردازند که هم قدردانی از کوششها و رنجهای گذشتگان کرده و هم کنونیان را به برخاستن بمانندهٔ آن کار های تاریخی برانگیزاند این یک کار خردمندانه است و باید باشد . ولی افسوس که عید های ایران کمتر یکی مبنای تاریخی دارد . بهر حال ما امروز را یکی از عید ها میشماریم سپس هر کار بزرگی با هر فیروزی برای ما رخ داد روز آنرا نیز عید خواهیم گرفت .

سپس گفت : میدانم کسانی خواهند گفت بیرون آمدن یک مهنامه چیست که روز آن عید شمرده شود !! می گویم : موضوع بیرون آمدن یک مهنامه نیست ، آغاز شدن یکراه خداپرستی و رستگاریست . پیمان هنگامی آغاز یافت که هیاهوی اروپاییگری سراسر ایران را فرا گرفته و کسی یارای بردن نام دین و خدا نمیداشت پیمان برای آن آغاز یافت که با همه گمراهیها نبرد کند و بیش از همه با اروپاییگری و مادیگری به پیکار پردازد ، و بالاخره جهانیان را بیک شاهراهی که بنیاد آن خداشناسی و زیستن از روی آیین خرد می باشد بخواند . آن مهنامه برای این خواست ورجاوند بزرگ پافشار پرداخت و تاکنون در آنراه خود گامهای فیروزانه برداشته است .

پیمان درفشی بود که در برابر بیدینان و خداناشناسان بر افراشته گردید و دلیل اینسخن آن گفتار های استواریست که در پاسخ مادیگری ، در پیرامون روان ، در زمینه خرد ، در باره فلسفه یونان نوشته شده .

سپس گفت : امشب کسانی هم هستند که باینجا کمتر آمده اند و شاید برخی سخنان ما بآنان سخت افتد . ولی ما خشنود خواهیم بود اگر پس از پایان سخنان من پرسشهایی کنند و یا ایراد گیرند . ما از این رهگذر پیشانیمان باز است . زیرا هیچ سخنی را بی دلیل نمی گوییم ، هیچگاه به « تعبد » دست نمی یازیم و ما تاکنون بهمه دیگران ایراد ها گرفته ایم ولی کسی ایرادی بما نتوانسته است . زیرا گفته‌های ما همه حقایقست ، همه بسود جهانست .

سپس پیکرشته سخنان درازی پرداخت و پس از وی آقای خراسانی بسخن در آمدند و چون پرسشی در باره اسلام رفته بود پاسخهای پرمغزی دادند . نیز یکی گفت ایراد می گیرند که این جمعیت تاکنون چکار کرده . آقای خراسانی بیک پاسخ روشن و پرمغزی پرداخته گفتند : این ایراد بسیار بیخردانه است . این مثل آنست که ما ده تن در یک اطاقی زندگی می کنیم و من می بینم قالی آن اطاق گرد آلود و چرکینست ، اینست موضوع را بآن ده تن باز می‌نمایم ، و چون قالی بزرگ و سنگینست که یکتن نمیتواند آنرا بیرون برد و پاک گرداند خواهش می کنم که بیایید دست بهم داده این را بلند کنیم . ولی آنان بی‌پروایی می‌نمایند و نزدیک نمی‌آیند و سپس برگشته بریشخند و سرکوفت می گویند :

« خوب چکار کرده‌ای !! » من بآنها پاسخ داده می گویم : من بتنهایی نمی توانستم کاری کنم . این نیکی من بود که شما را از گرد آلودی و چرکینی این فرش آگاه گردانیدم ، و باز نیکی من بود که خود آماده کار گردیده از شما هم خواهش همدستی نمودم . لیکن شما از بد نهادی و آلوده درونی با من همدستی ننمودید ، و اینست کار ناانجام مانده و من باید کسان دیگری را بهمدستی بخوانم و این کار را بپایان رسانم .

این مثل بسیار پرمغز و بجایی بود . این درست داستان برخی از ایرانیانست . این بدبختها شرافت زندگانی و سرفرازی و همه چیز نیک را فراموش کرده تنها در پی آنند که با یکی هکینه توزی کنند و بریشخند و سرکوفت پردازند و لذت برند ، خدا روی اینان را سیاه گرداند . سالهاست ما بدینسان بکوشش برخاسته‌ایم و یک جمعیتی از دور و نزدیک دست یکی گردانیده بچاره دردها می کوشیم . این بدبختها اگر در اندیشه شرافت و سرفرازی باشند باید از این خیزش و کوشش ما بشگفت آیند و بهمدستی شتابند و اگر هم برخی ایرادهایی دارند بگویند تا رفع شود . ولی ما می‌بینیم همچون چوب خشک از دور می‌ایستند ، بلکه کار شکنی نیز می نمایند ، و چون در نتیجه همین پستی و بی‌پروایی آنان پیشرفت کار کند می گردد ، فرصت یافته زبان باز می کنند و می گویند شما تاکنون چکار کرده‌اید ؟! در اینجاست که باید گفت روی‌تان سیاه باد ! خدا ریشه شما را از روی زمین براندازد !

آقای خراسانی نیک توضیح دادند که ما امروز تنها بآن می کوشیم که اندیشه‌ها را روشن گردانیم و بشماره همراهان بیفزاییم و این خود زمینه را برای هر نیکی آماده خواهد گردانید . این کسانیکه بما ایرادمی گیرند گذشته از آنکه خود روسیاه و گناهکارند ایرادشان نیز بسیار بیجاست .

بمناسبت نشست یکم آبان در تبریز

آقای حیدرزاده



اگرچه ما این دررا در پرچم بنام ارجشناسی از پیشروان آزادگان و شناساندن برخی از پشتیبانان پرچم باز کرده‌ایم ولی چون در میانه یادی از پیمان و پشتیبانان آن نیز کرده شد اینک از آقای حیدرزاده نیز یادی میکنیم و عکس ایشان را بچاپ می‌رسانیم آقای حیدرزاده از پشتیبانان نیک پیمان بوده‌اند و در آن روزهای که هر شماره‌ای از پیمان با یک هیاهویی روبرو می گردید ایشان از هواداری دریغ نگفته اند .

گزارش کشور

ملاقات با آقای نخست وزیر

آقای سفیر کبیر ترکیه نیمساعت پیش از ظهر دیروز آقای نخست وزیر را در کاخ ابیض ملاقات نمودند .

جلسه نمایندگان فراکسیونها

جلسه نمایندگان فراکسیونها که قرار بود روز گذشته پیش از تشکیل جلسه علنی منعقد شود موکول به امروز پیش از ظهر شد

تامین نان سربازان و افراد ژاندرمری

برای تامین نان و آذوقه سربازان لشکر اول و کن دژبادگان مرکز و افراد ژاندارم و زندانیان شهربانی پیش از ظهر روز گذشته کمیسیونی در ادارهٔ آمار تشکیل و تصمیمات مقتضی گرفته شد .

انتصابات وزارت کشور

آقای معزالدین غفاری بمعاونت اداره

خجسته باد تلگرافی

از تبریز ـ پرچم یکم آذر به تمام آزادگان خجسته باد آزادگان

از مراغه ـ پرچم آقای کسروی نخستین عید آزادگی را بشما و همه برادران آزاده خجسته باد میگوییم .

ادرین پور

دفتر وزارت کشور و آقای نصرالله نجفی بمعاونت اداره کارگزینی و آقای اسمعیل ذوالقدر بمعاونت اداره امور شهرداری ها تعیین و منصوب گردیدند .

غارت انبار های برنج

روز شنبه گذشته ساعت ۱۰ صبح در بندر پهلوی عده از مردمان بی بضاعت و فقیر که بینشان عده از عناصر ماجراجو دیده می‌شد بطرف انبارهای بازرگانان حمله نموده در نتیجه انبار قاسمیان را غارت می‌نمایند . پس از دخالت ژاندارم و پاسبان بلوا برطرف میشود .

مجلس شوری

صدو سیزدهمین جلسه مجلس شورای ملی روز سه شنبه ۳ آذر ماه ۱۳۲۱ نیم ساعت پیش از ظهر بریاست آقای بیات تشکیل صورت جلسه پیش خوانده و تصویب شد .

آقای طباطبائی — بنده برای عرض یك مطلب خیلی مختصری اجازه خواستم چند دقیقه وقت آقایان را بگیرم .

ازهفته گذشته تا دیروز و پریروز مطالبی در تمام روزنامه های پایتخت نوشته و منتشر شده راجع جریانات داخلی مجلس و کابینه . دیروز در روزنامه اطلاعات مطلبی خواندم راجع به منفردین مجلس که انتشارش خیلی بیموقع بود . باید این نکته را تذکر بدهم که در مجلس یك اکثریت و اقلیتی در بین است و مطالبی منتشر شده که باید حقیقت امر روشن شودو راجع بمطالب اخیر هم بکلی ما بی اطلاع بودیم و باید آقای رئیس باین نکته توجه کنند که این قبیل انتشارات بنام مجلس منتشر نشود .

آقای ملك مدنی — در باره لزوم تصویب فوری لایحه متمم بودجه تذکراتی دادند .

مجلس وارد دستور شد

ماده الحاقیه پیشنهادی آقای فرمانفرمائیان مطرح شده و در باره آن توضیح دادند که عقیده دارم دولت تشکیلات خودرا تا آخر اسفند معین نماید و من بعد از این مدیر کل تعیین ننماید .

آقای اعتبار - مجلس شورای ملی برای هروزارتخانه قانونی گذرانده ومطابق همان قانون هم بنای سازمان وزارتخانه انجام خواهد شدو منظور حضرت والا کاملا تامین شده فقط آقای رئیس مجلس باید دولت را متذکر شوند که قانون نامبرده را رعایت نماید .

آقای ملك مدنی — اظهار داشتند که در جلسه پریروز کمیسیون بودجه تصمیم گرفته شد که هر وزارتخانهٔ بیش از یك مدیر کل نداشته باشد پس از این توضیحات آقای فرمانفرمائیان پیشنهادشان را پس گرفتند .

آقایان بیات و نراقی پیشنهاد نموده بودند که برای استخدام مهندسین قانون مخصوصی وضع شود و آقای نراقی در این خصوص توضیحات کافی دادند و اظهار داشتند چون این طبقه ممتاز ترین طبقات کشور است و مشقت و مصائب بیشتری چه در دوره تحصیل و چه در موقع خدمت متحمل شده و خواهند شد لذا تقاضا میکنم این طبقه وضعیتش کاملا روشن شود و قانون استخدامی مناسبی تهیه گردد .

آقای اعتبار پیشنهاد آقای نراقی را قبول نمودند .

آقای معدل تقاضا نمودند طبقه دکترها هم علاوه شود ودراین خصوص توضیحات کافی دادند .

آقای اعتبار مخبر کمیسیون اظهار داشتند چون دولت در نظر دارد نسبت بکلیه قراردادیها توجهی نموده و قانون جدیدی بمجلس بیاورد لذا در آن موقع منظور آقای معدل بخودی خود انجام خواهد یافت .

آقایان طباطبائی و دکتر ملکزاده اجازه خواستند چون عضو کمیسیون بودند اجازه داده نشد .

بماده الحاقیه پیشنهادی آقای نراقی رأی گرفته و تصویب شد .

آقای طوسی راجع به پرداخت جرائم مخصوص در ماده ۴۷ پیشنهادی نموده بودند که رد شد .

آقای دکتر سیاسی — آقای پرفسور ابرلین استاد و رئیس دانشکده طب چون قرارداد استخدام ایشان منقضی شده بود و چون دولت از اقدامات ایشان نهایت رضایت را دارد لذا لایحه استخدامی جدید ایشان تقدیم می شود (صحیح است بسیار خوب است) .

آقای هژیر — چون در قیمت کلیه اجناس ترقی مخصوصی حاصل شده بود ولازم بود که بقیمت چغندر هم در موقع خرید اضافه شود و چون محلی برای پرداخت این اضافه در بین نبوده طبق ماده واحده ذیل تقاضا میشود که این اضافه از اضافه قیمت فروش قند داده شود .

بعلاوه چون محل تمرکز حقیقی برای وزارت پیشه و هنر در مرکز نبود لذابا مذاکراتی که شد قرار بر این شد که عمارتی را که بانك ملی ایران برای شرکت تعاونی در خیابان فردوسی جنب بانك ساخته است بخرد و چون اعتباری برای خرید این محل در بودجه نبود لذا فقط فعلا تقاضای تصویب اجازه آنرا مینمایم

آقای تهرانچی پیشنهاد نمودند که بر بودجه دانشکده طب علاوه شود تا اسباب و لوازم کافی برای لابراتوار آنجا خریداری شود تا شاگردان بیشتری بتوانند از آن استفاده نمایند .

آقای اعتبار اظهار داشتند این موضوع در کمیسیون بودجه مورد مذاکره واقع شده و با آمدن آقای پرفسور ابرلین منظور ایشان تامین میگردد . پس از این توضیح پیشنهادشان را مسترد نمودند .

آقایان نراقی وروحی پیشنهاد نموده بودند مازاد صدی ۱۲ استفاده صاحبان کارخانجات بنفع دولت ضبط شود .

آقای نراقی — خاطر آقایان مستحضر است که چندی قبل سؤالی راجع بسود صدی ۱۲ کارخانجات از آقای وزیر پیشه و هنر کردم و آقای وزیر هم تاحال نتوانسته اند اقدام مفید و موثری دراین زمینه بعمل آورند . صاحبان کارخانجات هم اظهار میدارند در مملکتی که پول سودش تا صدی سی الی صدی چهل رسیده چطور سود کارخانه با زحمت زیاد صدی ۱۲ شود . جوابش اینست که مملکت وضع غیرطبیعی داردو چه مانعی دارد که صاحبان کارخانه امسال بخصوص بامنفعت کمتری بسازند تا عده لخت و بینوابتوانند لباس مختصری تهیه نمایند .

در صورتیکه سالیان دراز با سود های صدی صد و صدی شصت زندگی کرده اند چه مانعی دارد یك امسال تنها با سود کم بسازند .

در آن قانون وسیله اجرائی برای دولت نگذاشته وسیله آنست که دولت را در اینمورد آزاد بگذاریم تا اضافه این سود را ضبط کند .

آقای ملك مدنی — موضوعی که پیشنهاد شده است مورد توجه عده زیادی است و بنده خودم هم هنوز این اعتقاد را دارم و عقیده دارم که باید وزارت پیشه و هنر این موضوع را در نظر بگیرد . ولی موضوع دیگر این بود که مخالفین این پیشنهاد ادله میآوردند که مورد توجه بود و باید مجلس آنهاسودهم مورد توجه قرار دهد و آنها هم از صدی ۱۲ راکافی نمیدانند و میگویند اگر چنین موضوعی باشد دیگر کسی اقدام بتاسیس کار خانه نمی نماید . و اعتقاد شخصی من است که لااقل صدی ۱۷ باشد .

آقای اعتبار اظهار داشتند این موضوع باین طریق عملی نیست یا باید دولت خودش نظارت کند و یا اینکه آقایان ضمن طرحی این پیشنهاد را تقدیم نمایند .

آقای روحی نطق مفصلی نموده شرحی مبنی بر بدبختی توده بخصوص طبقه زیردست مفصلا بیان نموده و اظهار داشتند بهتر است هرچه زودتر بهر وسیله که ممکن است این کار را انجام دهید . آقا این صدی ۱۲ کم است صدی ۱۸ کنید کاری کنید که جلو اینها گرفته شود . این کارخانجات نخ ریسی پنبه راخیلی ارزان از دولت میخرند . آیا این سزاوار است با این سختی عده از بدبختی تباه شوندو عده دیگر مردم را لخت نمایند . بنده نمیگویم بی عدالتی کنید هر طور که صلاح است این کار را زود تر بکنید .

آقای هژیر — بنده خوشبختانه می بینم نمایندگان متوجه یك وضع مورد دقت عمومی هستند . بنده درجلسه پیش هم گفتم قانون یك حتمیت برای اجرایش درپیش نیست ولی باید این کار بشود منتهی با مطالعه و دقت حالا که آقایان چنین پیشنهادی را نموده اند اجازه بفرمائید کلیه این پیشنهادها به کمیسیون برود تا مورد دقت قرار گیرد و عملی شود (صحیح است)

آقای اعتبار — بنده معتقدم که مجلس شوری وارد این مطلب شود زیرا منحصر به لباس و جوراب نیست کار خیلی بالاتر ازاینهاست . ازاین جهت بنده معتقدهستم که باید تمام جریان را در نظر گرفت . اگر امروز کسی نخود خرواری ۲۵ تومان خریده و ۵۰ تومان میفروشد کی میآید کارخانه بااین ترتیب باز کند مگر خرش بگل مانده (آقای نراقی - اینهم از بی عرضه گی دولت است) همهمه نمایندگان رأی گرفته شود - بکمیسیون برود .

آقای هژیر — یك مطلبی است که ازلحاظ زندگی عمومی اهمیت دارد . الان این مطلب طرح شد ولی اینرا عرض میکنم اگر تصمیم کافی راجع بسود نگیرید عملی نمیشود

اگر آقایان موافقت بفرمایند به کمیسیون برود بنده می فهمم چه کنم و ترتیب صحیحی از روی دقت معین میشود

آقای بیات — رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد (تصویب شد)

آقای اردلان — آقایان توجه دارند که قانون استخدام دکتر میلیسپو تصویب شده ولی میدانید که باید وسائل کاراو را نیز باید تامین نموده بدینجهت مطابق اطلاعی که از نظریات نامبرده راجع به استخدام هشت نفر همکارانش بعمل آمده اینك لایحه زیر راجع باستخدام واختیارات آنها تقدیم میشود .

آقای فرمانفرمائیان راجع به تشکیل شرکت پنبه و خرید آن پیشنهادی نمودند که پس از توضیح مسترد نمودند .

سایر پیشنهادات آقایان راجع بسود شرکتها و کارخانجات به کمیسیون فرستاده شد .

آقای دشتی - پیشنهاد مینمایم که مطالبات شهرداری را از شاه سابق گرفته ومسترد دارند .

میگویند بدهکار را اگر دنبالش بروی طلبکار میشود . آقای فربدونی حساب عجیبی نشان دادند که از سال ۱۳۰۵ تا سال ۱۳۲۰ بودجه شهرداری به ۳۵ ملیون تومان نمیرسد مقصود ما مقدار طلب نیست بلکه این است که هرچه طلب دارد گرفته شده وحق بر گردد .

آقای طباطبائی هم چنین پیشنهادی نموده بودند ومعین نموده بودند که راه پرداخت این پول از ۴۰ ملیون تومان طلب اعلیحضرت همایونی از دولت باشد .

آقای اردلان پاسخ مفصلی باظهارات آقایان دادند .

آقای سزاوار اظهار نمودند در شرفیابی اعلیحضرت همایونی بوزیر دربار فرموده اند ازمحل همان ساختمان ها قرض داده شود و در اینجا هم دو موضوع در بین است تشخیص طلب و پرداخت آن از محل معین به پیشنهاد آقای دشتی رأی گرفته و تصویب گردید .

« جو و خرمای غیر فاسد برای گرفتن آب جو و هرگونه مشروب دیگر از این تاریخ ببعد ممنوع است » این پیشنهاد بامضای ۶۰ نفر از آقایان تقدیم گردید .

آقای اردلان طی بیان مشروحی اظهار داشتند که این موضوع بسیار خوب است ولی جایش اینجا نیست .

آقای بهبهانی اظهار داشتند که آقای دشتی راست گفتند وقتی بدهکار را سراغش بروی طلبکار میشود این هم حکایت آقای اردلان و مجلس است حالا ایشان میگویند چرا تصویب این لایحه دیر شده است .

آقای اعتبار اظهار داشتند که این پیشنهاد یکبار دیگر هم مطرح شده بود ومجلس رد کرده پس از مذاکرات مفصل ومختلفی که بعمل آمد رای بقابل توجه بودن پیشنهاد گرفته ورد شد .

یکساعت وبیست دقیقه بعد از ظهر جلسه ختم وجلسه آینده بروز پنج شنبه موکول شد

تازه‌ترین خبرها

جبهه خاور — بر اثر حمله شدیدی که ارتشهای روسی تحت فرمان ژنرال رمانتکو و ژنرال باتف از جنوب باختری وبشمال رو به استالین گراد وارد آورده اند از طرفی بطوریکه خبرگزاریهای شوروی اظهار میدارند قریب سیزده هزار نفر از نیروی محور باسارت در آمده و تعداد دیگری هم کشته و نابود شده اند بعلاوه بطوریکه مفسرین اظهار مینمایند وضع سپاهیان ژنرال فن هوت آلمانی که در مرکز شهر پیشرفت زیادی کرده بود بواسطه تهدید شدن ازدو جناح موقعیت وخیمی پیدا نموده و چارهٔ ندارد جز اینکه برای رهائی از خطر محاصره و نابود شدن عقب نشینی نماید و خود را در خط سایر سپاهیان نازی قرار دهد .

بعلاوه مطلعین از امور اظهار میدارند که این وضع تازهٔ مقدمه حملهٔ ایست که استالین از مدتها پیش تهیه دیده است .

در جبهه قفقاز زدو خوردهای سخت برای تصرف دو راه آهن شمال وجنوبی که اهمیت استراتژیکی زیادی دارد ادامه داشته و سپاهیان دوطرف بزدوخوردهای سخت مشغولند .

جبهه لیبی — بطوریکه خبر میرسد آلمانها خود را به العقیله رسانده و مشغول استحکام مواضع دفاعی خود در مقابل حمله احتمالی جدید نیروی انگلیس میباشند . ژنرال اسموتز پس از دیدن این جبهه روز گذشته نطقی ایراد و اظهار داشت ما انتقام طبرق را پس گرفته ایم و این نقاط تا آخر جنگ در تصرف نیروی ما باقی خواهد ماند .

جبهه افریقای شمالی فرانسه — اعلامیه ستاد ارتش متفقین در این جبهه مشعر بر اینست که تمرکز نیروهای آمریکائی و انگلیسی در ناحیه خاور طبق نقشه معین صورت گرفته و در برخورد اول ۴۰ نفر از نیروی محور را اسیر نموده اند از طرف دیگر شکاریهای مسلح انگلیسی با پروازهای پایی خودراه را بر هواپیماهای سرباز بر محوری گرفته و قصد دارند مانع تمرکز نیروهای محور شوند . از طرف دیگر هواپیماهای بمباران انگلیسی بیزرت وسایر فرودگاههای تونس را بمباران می نمایند .

کوشش‌های سیاسی

امروز روزولت رئیس جمهوری امریکا « کردل هول » وزیر امور خارجه « دیویس » رئیس بنگاه صلیب سرخ را بکاخ ریاست جمهوری احضار کرد تا راجع بمسائل فوری که عبارت از فرستادن خوار بار است بنواحی اروپا که بر اثر عملیات متفقین از زیر بار تبعیت محور بدر خواهند آمد با آنان گفتگو کند .

از مادرید خبر رسیده که ژنرال فرانکو شورای فالانژ را منحل کرده و در صدد است شورای دیگری بوجود آورد .

از دفتر نخست وزیری خبر رسیده برای آنکه لرد کرامبورن مهر دار سلطنتی بتواند وظایف نمایندگی خودرا در مجلس اعیان بخوبی انجام دهد از این ببعد مجاز است در جلسات شورای جنگ حضور یابد .

ژنرال کاترو نماینده فرمانده کل نیروی فرانسه در سوریه بنا بدعوت ژنرال دگل از بیروت حرکت کرد و وارد لندن شده تا از اوضاع سیاسی و نظامی واقتصادی کشور های خاور بآن ژنرال تفصیلاتی دهد .

قرار است وی در مذاکراتی که راجع باوضاع کنونی افریقای شمالی فرانسه میشود شرکت جوید .

راه رستگاری

کسانیکه از شهرستانها این کتاب را میخواهند می توانند با فرستادن ده ریال از پست از دفتر پرچم بخواهند .

« چاپخانه تجدد ایران »

جای اداره - لاله‌زار کوچهٔ مهران

تلفون - ۶۰۳۶ تك شماره در همه جا ۵۰ دینار

آگهی مناقصه

اداره کاربردازی کل وزارت دارائی کاغذ چهار برگی سفید بشرح زیر بمناقصه خریداری مینماید .

۱ — ۵۰ الی ۵۵ گرمی	۲۰۰۰ بند
۲ — ۶۰ الی ۶۵ «	۱۳۴۳ «
۳ — ۷۰ الی ۷۵ «	۱۶۰۵ «
۴ — ۸۰ الی ۸۵ «	۲۰۰ «
۴ — ۹۰ گرامی	۷۰۰ «
۶ — مقوای سفید یکرو	۵۰۰۰ برگ

فروشندگان پیشنهاد خودرا با مبلغ ده هزار ریال وجه نقد بنام سپرده تا آخروقت اداری روز شنبه ۲ر۹ر۲۱ بدفتر این اداره تسلیم و رسید دریافت دارند پیشنهادات رسیده روز یکشنبه ۸ر۹ر۲۱ سه ساعت قبل از ظهر در کمیسیون نظارت خرید و مناقصه باز و خوانده خواهد شد .

اداره در رد یاقبول پیشنهادات مختار خواهد بود و حضور پیشنهاددهندگان در جلسه مناقصه مانعی نخواهد داشت . ش ۱۲۵۵

رئیس اداره کل کار بردازی — مصطفی ناصر

آگهی

بتاریخ ۱۸ر۱۰ر۳۲۰ بانو ایران « محسن تهرانی » در خواستی بشماره ۲۰ر۸۰۳ تقدیم به مستند رونوشت شناسنامه و پرسشنامه و برك هزینه متوفیات تقاضای صدور گواهی حصر وراثت نموده بدین توضیح که بانو شوکت فرزند غلامعلی که اقامتگاه دائمی او تهران بوده در ۱۵ر۱۲ر۱۸ در تهران فوت نموده وراث او منحصر است بدرخواست کننده بانو ایران و عذرا و ملوك و محمد چهار نفر اولادهای متوفیه دادگاه با استماع گواهی گواهان مراتب را سه نوبت متوالی ماهی یك مرتبه در مجله رسمی و یکی از جراید محلی به آگهی میرساند چنانچه کسی را بر وراثت و انحصار نامبرده بالااعتراضی باشد ظرف سه ماه از تاریخ انتشار نخستین آگهی اعتراض خود را بدادگاه بدهد و چنانچه وصیتنامه ازمتوفیه نزد کسی موجود است که تا این تاریخ رسما ابراز افتتاح نشده ظرف همین مدت بدادگاه تسلیم نماید با انقضای مدت هر وصیت نامه جز رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط وگواهی درخواست کننده صادر میشود

دادرس شعبه ۵ دادگاه بخش تهران — حسن اسلامی

ش — ۵۶ ۳—۲

آگهی حصر وراثت از دادگاه بخش دزفول

در تاریخ ۲۶ر۱۲ر۱۰ عبدمحمدمومنی دارای شناسنامه ۱۱۰۹ دزفول بشرح دادخواست شماره ۱۵ — ۲۰ باتقدیم مستندات لازمه در خواست گواهی نامه حصر وراثت نموده وچنین توضیح داده است که ملاعلی منی دارای شناسنامه ۱۱۰۵ فرزند مرحوم محمد حسن درتاریخ ۱۶ خردادماه ۳۱۸ در دزفول اقامتگاه دائمی خود مرده و ورثه اش منحصر به چهار پسر با بن اسامی ۱ عبد محمد خواهان ۲ محمد حسن مومنی دارای شناسنامه شماره ــ ۳ محمد حسین مومنی دارای شناسنامه شماره ۱۱۱۱ و یك عیال دائم جواهر نام دارای شناسنامه ۱۱۱۲ دختر یوسفعلی میباشد گواهای نیز در این زمینه گواهی داده اند لذا مراتب سه نوبه متوالیا درج در مجله رسمی و روزنامه پرچم آگهی میشود و پس از انقضاء سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی درصورت نبودن معترض و نرسیدن اعتراض گواهینامه مقتضی داده خواهد شد ضمنا هر کس وصیت نامه از متوفی نزد او است درمدت ۳ ماه باین دادگاه بفرستدو پس از گذشتن این مدت هر وصیتنامه (جز وصیتنامه رسمی و سری) ابراز شود ازدرجه اعتبار ساقط است

شماره ۱۱۴۷ ۳-۲ رئیس دادگاه بخش دزفول مجید نور ماه

آگهی تمدید مناقصه

پیرو آگهی مناقصه راجع بساختمان جاده عرابه رو بین دامنه و تنك گزی بدینوسیله مدت تسلیم پیشنهادات را تا تاریخ ۷ آذر ماه ۱۳۲۱ تمدید مینماید .

اداره کل آبیاری وسدسازی

ش ۱۲۳۹ ۳—۲

آگهی به بازرگانان

حال که پول ملی ما مانند لیره انگلیسی یا دولار ارزش خوب دارد توه خرید ریال باید بمراتب بیش از زمان پیش باشد .

اداره باربری راه تشکیلاتی داشته و جریان کارهای آن از سه ماه قبل بمراتب بهتر است

شما برای حمل کالا از تهران برای مشتریان خودتان در شهرستانها هر تن در هر کیلو متر از ۵ الی ۸ ریال کرایه میپرداختید و البته این مبلغ اضافی بقیمت کالا افزوده شده و بانتیجه هزینه زندگی را بالا برده است ولی از امروز شما می توانید کالای خود را بوسیله اداره باربری راه از تهران بقزوین همدان — ملایر اراك — قم اصفهان — کرمانشاه و شیراز تقریبا با نصف کرایه‌ای که تاکنون می پرداختید حمل نمائید

بالنتیجه بازرگانان با ایمان و درستکار میتوانند از موقع استفاده نموده بهای کالای خود را تقلیل دهند رفته رفته بر تعداد شهرستانهائیکه کالا از تهران بقصد آنها حمل میشود و همچنین بر سرعت حمل و نقل افزوده خواهد شد

شما میتوانید کالای خود را با کرایه مربوطه در مقابل دریافت قبض رسید که حاکی از وصول تمام کرایه پرداختنی باشد بیکی از پیمانکاران ذیل تحویل دهید واز تحویل کالا باشخاص دیگر « مگر درصورتیکه نام آنها از طرف این اداره اعلان شود » خودداری نمائید .

پیمانکاران مجاز ما فعلا عبارتند از :

گاراژ مرندی	تلفن ۴۹۴۰
همایونی و شجاع نیا	« ۴۰۷۲
شرکت میلارد	« ۷۰۶۴
بنگاه باربری کشور	« ۸۸۷۳
مقاطعه کاری مهندس دولتشاهی	« ۵۲۴۴

آگهی

کتابچه « امروز چه باید کرد ؟ » از تبریز وارد شد این کتابچه که برای بار سوم در تبریز به پیوست یك مقدمه و برنامه جمعیت آزادگان و فهرستی از کتابهای دیگر آقای کسروی بچاپ رسیده و پوشهٔ آن با پیکره مولف ارجمندش زینت یافته اخیراً به تهران وارد شد خواستاران در تهران از اداره روزنامه پرچم در تبریز از نمایندگی پرچم خریداری نمایند بهاء یك جلد ۵ر۲ ریال برای شهرستانها باضافهٔ هزینه پست .